

Research Article

Reviewing and Evaluating the Tahereh Saffarzadeh and Mohammad Ali Koosha's Translations Based on Antoine Bremen's Theory of "Deforming Tendencies" (Case study in Surah Al-Baqarah)

Godarz Kakavandi¹, Mohammadhassan Masoomi^{2*}, Mohammadreza Yousefi³

Abstract

Translation as a purposeful effort and activity to remove linguistic and cultural barriers and a platform for establishing and expanding interpersonal relationships at different levels have long been considered by humans. Antoine Berman, in the theory of its deforming tendencies, examines the methods, mechanisms, and translation strategies of translators in transmitting the strangeness and alienation of the original text into the target language to highlight unfamiliar importance and foreign culture in translation. Therefore, in the study, from Antoine Berman's point of view components such as Rationalization, clarification, Circumlocution in discourse, froufrou orientation, qualitative and quantitative de-lyrical elements, and other elements in Persian translations by Hossain ansariyan and Tahereh Saffarzadeh from Surah Al-Baqarah, we examine and critique one of the results of this research that Tahereh Saffarzadeh has observed these disruptive elements more than Hossain ansariyan and it is close to translating Antoine Berman's standard. Considering the greatness of correct and fluent translation of the Holy Quran, the findings of this study can be efficient in future translations of the translators and scholars of the Holy Quran.

Keywords: Holy Quran, Surah Al-Baqarah, Translation, Antoine Berman, Tahereh Saffarzadeh, Hossein Ansarian

1. PhD Student in Arabic Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2*. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
Dr_masomi38@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

نقد و بررسی ترجمه قرآن طاهره صفار زاده و حسین انصاریان بر اساس نظریه «گرایش های ریخت شکنانه» آنتوان برمن (مطالعه مورد پژوهانه در سوره بقره)

گوردز کاکاوندی^۱، محمدحسن معصومی^{۲*}، محمدرضا یوسفی^۳

چکیده

ترجمه به‌عنوان تلاش و فعالیتی هدفمند جهت رفع موانع زبانی و فرهنگی، و زمینه‌ای برای برقراری و گسترش روابط میان انسان‌ها در سطوح مختلف از دیرباز مورد توجه بشر قرار گرفته است. آنتوان برمن در نظریه گرایش‌های ریخت شکنانه خود با هدف برجسته‌سازی اهمیت دیگری و فرهنگ بیگانه در ترجمه به بررسی شیوه‌ها، سازوکارها و راهبردهای ترجمه‌ای مترجمان در انتقال غرابت و بیگانگی متن اصلی به زبان مقصد پرداخته است. از این‌رو در پژوهش حاضر، از دیدگاه «آنتوان برمن» مؤلفه‌هایی همچون: عقلایی سازی، شفاف‌سازی، اطناب در کلام، تفاخر گرای، غنایی زدایی کیفی، و غنایی زدایی کمی و دیگر عناصر را در ترجمه‌های فارسی طاهره صفارزاده و حسین انصاریان از سوره‌ی بقره مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم؛ که از نتایج این پژوهش آن است که طاهره صفار زاده بیشتر از حسین انصاریان این عناصر ریخت شکنانه را رعایت نموده است و به ترجمه معیار «آنتوان برمن» نزدیک است. با توجه به اهمیت ترجمه صحیح و روان قرآن کریم، یافته‌های این تحقیق می‌تواند در ترجمه‌های آتی مترجمان و محققان قرآن کریم اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سوره بقره، ترجمه، آنتوان برمن، طاهره صفارزاده، حسین انصاریان

۱. دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران Dr_masomi38@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

مقدمه و بیان مسئله

ترجمه، نمونه‌ای خاص از تلاقی زبانی و یکی از فعالیت‌های بشری است که قدمتی طولانی دارد. این فعالیت بشری، نشانگر است، که امکان می‌دهد از طریق تماس جوامعی «وساطت بینا زبانی» که به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند، اطلاعات و دانسته‌ها میان کاربران مختلف، به‌منظور تبادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری و ... انتقال یابد و همین امر، ضرورت عمل ترجمه را روشن تر می‌سازد. ترجمه، همانند هر عمل دیگری، همواره با نقص‌هایی همراه است و این نقص‌ها، به علت طبیعت ترجمه، به‌عنوان یک عمل بینا زبانی و ارتباطی، اجتناب‌ناپذیر است و مترجم، به‌عنوان واسطه‌ای میان نویسنده و خواننده، موظف است این نقص‌ها را به‌گونه‌ای جبران کند. البته هر مترجمی بنا بر شمی که دارد - حتی بدون آگاهی با نظریه‌های ترجمه - به‌طور ناخودآگاه و تجربی دست به اقداماتی در جهت رفع این نقص‌ها می‌زند؛ اما به نظر می‌رسد امروزه با توجه به سیر و جهت‌گیری جهان به‌سوی علمی کردن تمام حرفه‌ها و عرضه ابزارهایی برای رویارویی با مشکلات آن، ترجمه نیز از این امر مستثنا نبوده و نیاز به ابزارهایی دارد. این ابزارها، و یا بهتر بگوییم، نظریه‌ها، راهی است برای آشنایی هرچه بهتر با مشکلات ترجمه، طبقه‌بندی آن‌ها و نیز عرضه راه‌حلی برای تصمیم‌گیری در جهت حل مشکلات پیش رو. بنابراین در دنیای امروز، که حتی نویسندگان و شعرا نمی‌توانند صرفاً با تکیه بر شم و استعداد درونی‌شان دست‌به‌قلم ببرند و ناگزیر به آشنایی با نظریه‌ها هستند، مترجمان نیز از این امر مستثنا نیستند و بهتر است آگاهانه و بر اساس نظریه‌ها دست به حل مشکلات ترجمه بزنند. در این مقاله، با نگاهی دقیق و جامع به نظریه آنتوان برمن، به بررسی ترجمه‌های طاهره صفار زاده و حسین انصاریان می‌پردازیم که در عصر حاضر جزء ترجمه‌های پرطرفدار از قرآن کریم می‌باشند و طبق دیدگاه ریخت‌شکنانه آنتوان برمن زبان مقصد در ترجمه باید مؤلفه‌های: عقلایی سازی، شفاف‌سازی، اطناب در کلام، تفاخر گرایی، تغنایی زدایی کیفی، و غنایی زدایی کمی و دیگر عناصر را رعایت نماید تا به ترجمه‌ای مطلوب دست‌یابیم؛ نگارنده در این تحقیق بر اساس روش توصیفی تحلیلی در سوره بقره به پردازش داده‌ها می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

با توجه به جستجو‌هایی که در پایگاه‌های اینترنتی ایران داک و دیگر سایت‌ها صورت پذیرفته است، و تاکنون در این موضوع هیچ تحقیق مستقلی انجام نشده است. در همین راستا مقالاتی که از جنبه تحلیلی در بحث ترجمه قرآن کریم و رویکرد ریخت‌شکنانه آن نگاشته شده است به شرح ذیل است:

مقاله‌ای با موضوع «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج‌البلاغه بر اساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن» نویسنده: دلشاد، شهرام؛ مسبوق، سید مهدی؛ بخشش، مقصود؛ مجله: مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۴ صص ۹۹ تا ۱۲۰ منتشر شده است.

همچنین پژوهش دیگری «نقد و بررسی ترجمه‌ی عربی گلستان سعدی بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی کتاب الجلسان الفارسی اثر جبرائیل المخلع)» نویسنده: افضل‌لی، علی؛ یوسفی، عطیه؛ مجله: پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی «بهار و تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۱۴ صص ۶۱ تا ۸۴.

مقاله «بررسی ترجمه داستان تپه‌های چون فیل‌های سفید» (۱۳۹۱) بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن نوشته محمدرضا صمیمی. نویسنده در این مقاله، داستان یادشده را از چهار منظر عقلایی سازی، اطناب کلام، تفاخر گرای و تخریب و شبکه معنایی مستتر، مورد تحلیل قرار داده است.

مقاله «نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه» (بررسی مقابله‌ای ترجمه قاسم روبین از آثار مارگریت دوراس)، (۱۳۹۰)؛ به قلم مریم کریمیان و منصوره اصلانی، این مقاله به تطبیق هفت مورد از عوامل تحریف متن آنتوان برمن بر ترجمه قاسم روبین از رمان‌های دوراس پرداخته و میزان وفادار و عدم وفاداری مترجم را مورد ارزیابی و سنجش قرار داده است.

مقاله «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه ناپذیری» (۱۳۹۰) نوشته مهران زنده بودی. این مقاله مفاهیم خود و دیگری را با تکیه بر نظریه آنتوان برمن واکاوی نموده است.

لذا در هیچ‌کدام از مقالات فوق‌الذکر به این موضوع پرداخته نشده است. در مورد پژوهش حاضر شایان ذکر است که تا جایی که نگارنده از بررسی و جستجوی پایان‌نامه‌های رشته‌ی زبان و ادبیات عرب در مقطع دکترا و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های متعدد و همچنین با مراجعه به پایگاه اطلاع‌رسانی ثبت پایان‌نامه‌ها اطلاع یافته که تاکنون پایان‌نامه‌ای در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب، درباره بررسی گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن در ترجمه طاهره صفار زاده و حسین انصاریان درباره قرآن کریم پرداخته نشده است. از همین رو پردازش تحلیلی تطبیقی موضوع حاضر می‌تواند زوایای جدیدی از نکات ارزشمند در ترجمه قرآن کریم را برای پژوهشگران باز نماید.

آنتوان برمن

آنتوان برمن (Antoine Berman) (۲۴ ژوئن ۱۹۴۲ - ۱۹۹۱ در فرانسه) مترجم، فیلسوف، مورخ و نظریه‌پرداز علم ترجمه است. آنتوان برمن در شهر کوچک آفژونتون-شق-کقوز در نزدیکی لیموژ کشور فرانسه به دنیا آمد؛ پدرش یک یهودی لهستانی و مادرش یک فرانسوی-یوگسلاو بود. آنتوان و خانواده‌اش در زمان جنگ جهانی دوم در فرانسه مستقر شدند. او سپس به مدرسه Lycée Montmorency رفت و بعد از آن هم به مطالعه علم فلسفه در دانشگاه سوربن پرداخت؛ جایی که با همسر آینده‌اش ایزابل آشنا شد. در سال ۱۹۶۸، آنتوان و همسرش به آرژانتین سفر کردند و ۵ سال در این کشور اقامت داشتند. بعد از برگشتن به پاریس، برمن به موفقیت‌های گسترده‌ای دست یافت. در سال ۱۹۹۱، او در حالیکه تنها ۴۹ سال سن داشت و آخرین کتابش را در بستر می‌نوشت، از دنیا رفت.

آنتوان برمن از نظریه پردازانی در گستره ترجمه است که نگاه و نگره اش به ترجمه تا به امروز از تازگی و طراوت برخوردار بوده است. او از نظریه پردازان مبداً بود و روند ترجمه را مسیری پوئتیک و خلاقه می‌پنداشت. البته نگاه برمن در ذیل رویکرد ترجمه با تأکید بر کلمات قرار می‌گیرد که در دوره معاصر با اقبال بیشتری روبرو بوده است و دیگرانی چون هائری مشونیک (Henri Meschonnic) و ژاکلین ریس (Risset Jacqueline) با تأثیر پذیری از اندیشه‌های والتر بنیامین (Walter Benjamin) به بیان

اندیشه های خود از ترجمه روی آورده اند، با این اعتقاد که ترجمه کنشی ادبی و حاصل کار به یقین نوشتاری در ادبیات است.

«آنتوان برمن» از جمله کسانی است که تحت تاثیر فلسفه، گونه دیگری از نقد ترجمه را پیش می کشد. «نقد ترجمه آن گونه که «برمن» ارائه می دهد حاصل خوانش و تفکر و بسیار نزدیک به نقد ادبی است. محور دیدگاه ترجمه شناسی «برمن»، احترام به متن بیگانه و دیگری است» (احمدی، ۱۳۹۲: ۲)

آنتوان برمن، نظریه پرداز مبداءگر است که قوم مداری، از آن خود ساختن و بیگانه ز دایی را از مهم ترین عوامل گرایش به مبداءگرایی و پیدایش نظریه گرایش های ریخت شکنانه می داند. او در این نظریه، مترجم را به وفاداری به متن مبداء دعوت می کند. با کاربست نظریه بر من می توان میزان وفاداری مترجم را موردسنجش قرار داد. «او مجموعه ای از عوامل را که باعث ایجاد فرایند بیگانه زدایی می شود، بر می شمرد و از مترجم می خواهد که از این تحریفها بپرهیزد و در ترجمه، از جهت سبک و محتوا، به متن مبداء پایبند باشد» (صفوی، ۱۳۷۱: ۹)

گرایش های ریخت شکنانه ی آنتوان برمن

آنتوان برمن؛ یکی از مترجمان و ترجمه شناسان بزرگ فرانسه است که علیرغم کمی تألیفات، تأثیر فراوانی بر نقد و مطالعات ترجمه داشته است. مهمترین کتاب وی تجربه بیگانه به بررسی مسئله و اهمیت ترجمه در نزد رومانیکهای آلمانی می پردازد. از نظر آنتوان برمن ترجمه بد ترجمه ای است که معمولاً به بهانه انتقال پذیری، به انکار نظام مند غرابت اثر بیگانه می پردازد» اما ترجمه تنها یک میانجیگری صرف نیست، بلکه فرایندی است که در آن رابطه ما با دیگری در میان است» (Simon, ۲۰۰۱: ۲۳) به باور «برمن»، ترجمه فرانسوی قوم مدار است و در این راستا به بیان گرایش های ریخت شکنانه ای می پردازد که در آثار موردبررسی اش یافته است. مترجمان ادیب فرانسوی به گفته برمن، به نوعی ترجمه میکنند که متن ترجمه شده بوی ترجمه ندهد، او بر عکس می اندیشد که احترام به بیگانه و متن بیگانه، و به غرابت آن ضروری و حیاتی است. آنتوان برمن معتقد است که بد ترجمه کردن یک رمان با یکنواخت سازی آن، خیانت به فرهنگ است: خیانت به صورت داستان و رمان یعنی در واقع عدم توانایی ارتباط با بیگانه و زبانی که آن صورت (داستان) بیانگر آن است. برمن معتقد است که فرانسوی ها، انگلیسی ها، آلمانی ها، ایتالیایی ها و اسپانیایی ها گرایش دارند که ریخت و شکل زبان را تغییر دهند. هدف از این کار که در واقع به زعم وی نوعی نابودی متن اصلی است، تنها خدمت به معنا و صورت زیبا (در زبان مقصد) و خواننده است. اکنون به بررسی مؤلفه های چند گانه آنتوان برمن مطابق نظریه ریخت شکنانه اش در ترجمه های طاهره صفار زاده و حسین انصاریان در سوره بقره می پردازیم:

عقلایی سازی

عقلایی سازی این شیوه، ساختارهای نحوی متن اصلی و علائم سجاوندی را در بر گرفته و مترجم با توجه به ترتیب کلمات، متن را به دلخواه تغییر می دهد و این تغییرات شامل ساختار جملات ترتیب جدید) یا تغییر علائم نقطه گذاری است؛ آن هم با توجه به اهداف و نیت نویسنده (احمدی، ۱۳۹۲: ۵). آنچه روشن و بدیهی می نماید، این است که کلام، در هر زبان از قاعده منطقی و عقلایی خاصی تبعیت

می‌کند، این قانون موجود در زبان مبدأ، در ترجمه در هم می‌ریزد؛ بنابراین یکی از عملکردهای مترجم، منطقی سازی کلام و مطابقت دادن آن با قواعد زبان مقصد است. منطقی سازی کلام، از جمله بایسته های اصلی مترجمی است که می‌خواهد متنی عربی را به زبان فارسی برگرداند؛ زیرا این دو از جهت ساختار نحوی با هم متفاوتند؛ اما مترجم به این تغییرات ساختاری اجباری اکتفا نمی‌کند و گاهی ساختار را به دلخواه و از سر ذوق، بدون هیچ مانعی تغییر می‌دهد. «برمن» هر دو نوع این تغییرات را جزو تحریف متن می‌داند.

ذکر این نکته لازم است که منطقی سازی را تا زمانی که به بافت کلام اصلی آسیبی نرساند، نمی‌توان نادرست تلقی نمود. همچنین اگر در ویژگی‌های ترکیبی و نحوی کلام مبدأ که جزو سبک نویسنده به شمار می‌آید و پیام متن در گرو این مختصات سبکی منتقل می‌شود - خللی ایجاد نشود، تقصیری متوجه مترجم نیست. از این رو می‌توان عقلایی سازی در ترجمه قرآن کریم - یا هر ترجمه‌ای را به دو نوع کلی تقسیم نمود. در نوع اول مترجم به خاطر عدم متداول بودن ترکیب زبان مبدأ دست به تغییراتی می‌زند، مثل این که در زبان عربی، فعل، در آغاز کلام می‌آید اما مترجم فارسی، فاعل را در آغاز می‌آورد. مانند جمله: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۷﴾» خداوند به سبب جهل و انکارشان مَهْری بر دلها و گوشه‌هایشان نهاده و پرده‌ای بر چشمه‌هایشان افکنده (که حق را درک نمی‌کنند، نمی‌شوند و نمی‌بینند) و آنها را عذابی شدید در پیش است. (صفار زاده، ۱۳۹۴: ۶)

«خدا [به کیفر کفرشان] بر دل‌ها و گوش‌هایشان مَهْر [تیره بختی] نهاده، و بر چشم‌هایشان پرده‌ای از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی‌بینند، و برای آنان عذابی بزرگ است.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۴)

و بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵﴾

«و ای پیامبر به مؤمنان نیکوکار، بشارت ده که آنان را به کرم خداوند باغ‌هایی خواهد بود که در آنها، نهرهای آب روان است؛ هرگاه از آن باغ میوه‌ای نصیب آنها شود می‌گویند: این درست مثل همان میوه‌ای است که پیشتر در دنیا نصیب ما شده بود و نعمتهای مشابه دیگر نیز به آنها عنایت فرموده می‌شود؛ و در آن مکان شریف همسرانی پاک و پاکیزه خوی خواهند داشت؛ و برای همیشه در آنجا مقیم خواهند بود.» (صفار زاده؛ ۱۳۹۴: ۱۱)

«و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته [چون عبادت حق و خدمت به خلق] انجام داده‌اند، مژده‌ده که بهشت‌هایی ویژه آنان است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است؛ هرگاه از آن بهشت‌ها میوه‌ای آماده به آنان دهند، گویند: این همان است که از پیش‌روزی ما نمودند، و از میوه‌های گوناگون که [در طعم و گوارایی و زیبایی] شبیه هم است، نزد آنان آورند؛ در آنجا برای ایشان همسرانی پاکیزه از هر آلودگی [است؛ و در آن بهشت‌ها جاودانه‌اند].» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۸)

مثال دیگر:

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾

ترجمه طاهره صفار زاده: «و آنگاه خداوند نام های اشیاء و موجودات را به آدم تعلیم فرمود: سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: حال اگر راست می گوئید مرا از ماهیت دارندگان این نام‌ها باخبر سازید.» (صفار زاده؛ ۱۳۹۴: ۱۳)

ترجمه حسین انصاریان: «و خدا همه نام ها [ای موجودات] را به آدم آموخت؛ سپس [هویت و حقایق ذات موجودات را] به فرشتگان ارائه کرد و گفت: مرا از نام های ایشان خبر دهید، اگر [در ادعای سزاوار بودنشان به جانشینی] راستگوئید.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۹)

مثال:

وَأَمِنُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾

ترجمه صفار زاده: «و به کتابی که نازل فرموده ام که مؤید احکامی است که در تورات بر شما نازل شده، ایمان بیاورید و اولین گروه کافر به این کتاب مجید نباشید و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید؛ و تنها از من بترسید و بس.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۱۵-۱۶)

ترجمه انصاریان: «وبه آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ام که تصدیق کننده [تورات وانجیلی] است که با شماست، ایمان آورید و نخستین کافر به آن نباشید [که نسل به نسل پس از شما به پیروی از شما به آن کافر شوند] و آیات مرا [در تورات که اوصاف محمد و قرآن در آن است، با تغییر دادن و تحریف کردن] به بهایی ناچیز نفروشید، و فقط از من پروا کنید.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۱۰)

مثال:

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾

طاهره صفار زاده: «به وسیله‌ی صبر و نماز (در بحران مشکلات) از خداوند یاری جوئید؛ و البته این (توصیه) جز بر بندگان خاشع دشوار می‌نماید.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۱۶)

حسین انصاریان: «از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهید و بی تردید این کار جز بر کسانی که در برابر حق قلبی فروتن دارند دشوار و گران است.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۱۱)

مثال:

وَوَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

طاهره صفار زاده: «و بر بالای سر شما، ابرها را سایبان قرار دادیم و برای شما اگر انگبین و بلدرچین فرو فرستادیم: از خوراکی های پاک و حلال که رزق و روزی شما مقرر کرده ایم بخورید. به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم کردند.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۱۸)

حسین انصاریان: «و [در صحرای سوزان سینا] ابر را بر سر شما سایبان قرار دادیم؛ و بر شما گزانگبین و بلدرچین نازل کردیم؛ [و گفتیم:] از خوراکی های پاک و پاکیزه ای که روزی شما قرار داده ایم بخورید. و آنان [در تجاوز و طغیانشان و ناسپاسی و کفرانشان] بر ما ستم نکردند، بلکه همواره بر خود ستم می ورزیدند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۱۳)

این قبیل تغییر، گرچه از نظر برمن تحریف متن به شمار می آید اما مترجم مقصر نیست و نمی توان بر او خرده گرفت. اما گاه دیده می شود که شهیدی با این که می توانست بدون ایجاد تغییری در ساختار نحوی، ترجمه ای قابل قبول ارائه دهد، چنین نکرده است. این گونه موارد، بی وفایی به متن و از عوامل ایجاد شکاف میان متن اصلی و ترجمه به شمار می رود. از این دست نمونه هاست:

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾

صفارزاده: «پس از این واقعه، دل های شما مانند سنگ سخت شد، یا سخت تر از سنگ (که سنگ فوایدی هم دارد؛ همانا از دل بعضی سنگ ها چشمه ها می جوشد و برخی از آنها می شکافد و آب از آنها تراوش می کند و برخی از آنها از خوف خداوند به لرزه در می آید و فرو می ریزد؛ و البته خداوند از اعمال شما خطاکاران غافل نیست.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۲۵)

انصاریان: «سپس دل های شما بعد از آن [معجزه شگفت انگیز] سخت شد، مانند سنگ یا سخت تر؛ زیرا پاره ای از سنگ هاست که از آنها نهرها می جوشد، و پاره ای از آنها می شکافد و آب از آن بیرون می آید، و پاره ای از آنها از ترس خدا [از بلندی] سقوط می کند؛ و خدا از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۱۸)

عقلایی سازی به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت گذاری متن مبدأ مربوط می شود. در این صورت، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را باز تولید و مرتب می کند و به نظم در می آورد. برمن معتقد است که نثر از قبیل رمان، رساله و به دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جملات موصولی و معترضه، جملات بلند و جملات بدون فعل، ساختاری شاخه شاخه دارد و مترجم با عقلایی سازی، این ساختار شاخه شاخه را به ساختار خطی تبدیل می کند؛ به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ بدون فعل آند، فعل می آورد. جملات بلند را کوتاه می کند و به اصطلاح، جملات را می شکند و یا جملات معترضه را جابجا و یا اضافه و کم می کند. در حقیقت، برمن فرآیند عقلایی سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را در می کند (مهدی پور؛ ۱۳۸۹: ۳)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

طاهره صفارزاده: «این پرهیزگاران از نعمت هدایت ویژه از سوی آفریدگار - پروردگارشان برخوردارند و آنها، همان رستگاران واقعی اند.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۴)

حسین انصاریان: «آنانند که از سوی پروردگارشان بر [راه] هدایت اند و آنانند که رستگارند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۵)

همانگونه که می دانیم ساختار نحوی، یکی از مواردی است که معمولاً مترجمان آن را رعایت نمی کنند و مطابق با مؤلفه های عقلایی سازی ساختار آن را تغییر می دهند مانند ترجمه موصوف و صفت مقلوب یا مضاف و مضاف الیه در زبان.

لازم به ذکر است که برمن معتقد است آنجایی که می شود ساختار متن اصلی را در ترجمه رعایت کرد، هرگونه جابجایی و تعدیلات ساختاری، تحریف به شمار می آید. از این رو نباید از نظر دو داشت که

عنده این تغییرات ساختاری که از قضیه منطقی سازی پدید می آید از سبک سجع پردازی و زیباسازی ادبی ترجمه انصاریان و صفارزاده نشأت می گیرد.

شفاف سازی

آنتوان برمن، شفاف سازی را یکی از عوامل تحریف متن اصلی قلمداد می کند. شفاف سازی بیان کننده مسائلی است که در متن مبدأ واضح نبوده و یا به تعبیر دیگر، پنهان و سر بسته بیان شده و نویسنده قصد آشکار ساختن آنها را نداشته است. از آنجا که نفس ترجمه با توضیح و تفسیر همراه است، شفاف سازی در حوزه کاری مترجمان اغلب از اصول لازم هر ترجمه ای محسوب می شود. (کریمیان و اصلانی؛ ۱۳۹۰: ۱۲۶) در حقیقت، شفاف سازی روشنگری در سطح معنایی است؛ در حالی که عقلایی سازی روشنگری در سطح ساختار تحوی بود. (مهدی پور؛ ۱۳۸۹: ۵۹) از این رو مترجم فطرتاً به واضح سازی گرایش دارد و دوست دارد لایه های پنهانی معنا را بازگشایی کند. اما درباره این که شفاف سازی خوب است یا بد، «برهنه معتقد است بهتر است خصوصیات، اصالت و غرابت متن اصلی حفظ شود. وی با رد هر گونه توضیح اضافه (شفاف سازی بر این عقیده است که خلاقیت در ترجمه بایستی در خدمت بازنویسی متن اصلی به زبان دیگر قرار گیرد به ارائه ترجمه ای واضح و شفاف. (کریمیان و اسلامی؛ ۱۳۹۰: ۱۲۵)

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

طاهره صفارزاده: «یا (مَثَلِ دیگر درباره ی آنان از اینگونه است): به رهگذرانی می مانند که در بارانی تند و پرپشت که تاریکی و رعد و برق در ملامت آنست، گرفتار آمده اند؛ هر بار بر اثر صدای صاعقه، از بیم مرگ، انگشتان خود را در گوشه اشان فرو می برند، ولی خداوند از هر سو بر کافران احاطه و تسلط دارند.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۹)

حسین انصاریان: «یا [سرگذشت آنان] سرگذشت [دچار شدگان به] رگباری شدید از آسمان است که در آن تاریکی ها و رعد و برقی است، [آنان] انگشتانشان را از [صدای هولناک] صاعقه ها به خاطر بیم مرگ در گوش هایشان می گذارند [در حالی که راه گریزی از مرگ برای آنان نیست] و خدا به کافران احاطه [همه جانبه] دارد.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۶)

مثال:

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾

صفارزاده: «خداوند (به سبب جهل و انکارشان) مَهْری بر دلها و گوشه اشان نهاده و پرده ای بر چشمه اشان افکنده (که حق را درک نمی کنند، نمی شنوند و نمی بینند) و آنها را عذابی شدید در پیش است.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۶)

انصاریان: «خدا (به کیفر کفرشان) بر دل ها و گوش هایشان مَهْر [تیره بختی] نهاده، و بر چشم هایشان پرده ای (از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی بینند)، و برای آنان عذابی بزرگ است.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۴)

و در مثالی دیگر داخل پرنانتر (توضیحات اضافی را مترجم ارائه می دهد تا مضمون آیه برای خوانندگان شفاف و واضح گردد:

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾

صفارزاده: «و به خاطر بیاورید که با موسی چهل شب وعده فرمودیم (که برای دریافت فرمانها و الواح در میعادگاه باشد) شما در غیاب او گوساله ای را معبود قرار دادید (و پرستید) و بدینگونه به خود ستم کردید، (زیرا، کافران، بخود ستمگران هستند)». (صفار زاده، ۱۳۹۴: ۱۸)

انصاریان: «و (یاد کنید) زمانی که (برای نازل کردن تورات) چهل شب با موسی وعده گذاشتیم، سپس شما بعد از (غایب شدن) او گوساله را معبود خود گرفتید، در حالی که (به سبب این کار بسیار زشت) ستمکار بودید». (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۱۲)

مثال:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِن فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾

صفارزاده: «کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم، او را همچون فرزندان خود بوضوح می شناسند (چونکه اوصاف حضرت را در تورات و انجیل خوانده اند)، ولی گروهی از آنان لجاج می ورزند و آگاهانه حق را کتمان می کنند». (صفار زاده، ۱۳۹۴: ۴۸)

انصاریان: «اهل کتاب، پیامبر اسلام را [بر اساس اوصافش که در تورات و انجیل خوانده اند] می شناسند، به گونه ای که پسران خود را می شناسند؛ و مسلماً گروهی از آنان حق را در حالی که می دانند، پنهان می دارند». (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۲۹)

مثال:

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾

صفارزاده: «در راه خدا (برای تجهیزات جهاد) انفاق کنید و خود را با دست خود (با غلبه‌ی دشمن به واسطه‌ی کمبودها) به هلاکت نیفکنید. و نیکی و نیکوکاری کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد». (صفار زاده، ۱۳۹۴: ۶۵)

انصاریان: «و در راه خدا انفاق کنید و [با ترک این کار پسندیده، یا هزینه کردن مال در راه نامشروع] خود را به هلاکت نیندازید، و نیکی کنید که یقیناً خدا نیکوکاران را دوست دارد». (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۳۷)

یکی از ویژگی‌های بارز ترجمه‌های صفار زاده و انصاریان که پیش تر نیز به آن اشاره نمودیم - تلاش برای همگون سازی ترجمه با متن اصلی از جهت فرم و محتوا است؛ بنابراین حسین انصاریان روش شفاف سازی را به ندرت به کار برده است. منظور ما از کاربرد کم این مؤلفه، توسط صفارزاده و انصاریان، نسبت به حجم کتاب است و گرنه در موارد مختلفی از ترجمه هر دو مترجم می توان کاربرد شفاف سازی را مشاهده کرد که منجر به تحریف من و خارج ساختن کلام از زیبایی و نکات بلاغی آن شده است.

به طور مثال در آیه ۱۴۸ سوره بقره مشاهده می کنیم که طاهره صفارزاده از این عنصر شفاف سازی

بهره برده است و حال آنکه حسین انصاریان بدون شفاف سازی اقدام به ترجمه می نماید:

وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مَوْلَاهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾

صفارزاده: «هر آمتی را قبله ای است که خداوند آن را تعیین فرموده است (که هنگام نماز روی بدن می‌کنند اما آنچه اهمیت دارد، اینست که) در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید؛ هر جا باشید خداوند شما را (در روز رستاخیز) بسوی خود گردهم می‌آورد؛ همانا خداوند بر هر امری که اراده فرماید تواناست.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۴۹)

انصاریان: «برای هر گروهی قبله ای است که خدا گرداننده روی آن گروه به آن قبله است؛ پس ادرباره قبله، نزاع و کشمکش نکنید و به جای بحث و گفتگو، به جانب نیکی‌ها و کارهای خیر پیشی جوید. خدا همه شما را هر جا که باشید [به صحرای محشر] می‌آورد؛ مسلماً خدا بر هر کاری تواناست.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۳۲)

شفاف‌سازی، به نوعی به فرآیند عقلایی سازی مربوط می‌شود. با این تفاوت که عقلایی سازی در سطح ساختار نحوی جملات صورت می‌گیرد، اما شفاف‌سازی مربوط به روشن‌گری در سطح معنایی است. طبق این نظر، مطلبی که در متن اصلی به صورت «تعریف نشده» مطرح شده است، در متن مقصد به صورت «تعریف شده» در می‌آید؛ یعنی مترجم با افزودن کلمه یا کلماتی به متن، دست به روشن ساختن متن می‌زند. البته شایان ذکر است که برمن خود بر وابستگی عمل ترجمه به شفاف‌سازی صخه می‌گذارد، اما مخالفت برمن از طرفی به فروکاستن

چندمعنایی» (Polysémie) به «تک معنایی» (Monosemie) و شرح و توضیح مواردی مربوط می‌شود که در متن اصلی نمی‌خواسته روشن باشد و از طرف دیگر، به حشو و افزودن واحدهای معنایی که به اطناب کلام (مورد بعدی تحریف از نظر وی منجر می‌شود (ر.ک؛ مهدی پور، ۱۳۸۹: ۳) مسلماً شفاف‌سازی و ترجمه دو جزء لاینفک هستند، تا حدی که هر عمل ترجمه‌ای، قابل شرح است. اما در مفهوم منفی، توضیح به منظور شفاف‌سازی، آنچه را که نیست و نمی‌خواهد در متن اصلی باشد، هدف قرار می‌دهد. (عشقی، ۱۳۹۰: ۶۱). به‌طور مثال در آیه زیر حسین انصاریان در ترجمه خود توضیح بیشتر درباره واجب یا مستحب بودن انفاق و همچنین جمله پایانی این آیه نداده است:

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾

صفارزاده: «هرچه را انفاق کنید (واجب یا مستحب) یا اموالی را که (با نیت خاص) نذر کرده اید که در راه خدا ببخشید، خداوند همه را می‌داند و بخود ستمگران (که از انفاق در راه اجتناب می‌ورند) یاورانی (در برابر کیفر الهی) ندارند.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۹۶)

انصاریان: «و هر نفقه ای که انفاق کردید و هر نذری را که برعهده گرفتید، یقیناً خدا آن را می‌داند، ادر نتیجه فرمانبر را پاداش می‌دهد و ستمکار به آیات خدا و حقوق مردم را عذاب می‌کند» و برای ستمکاران در قیامت یآوری نیست.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۵۶)

مثال دیگر:

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لَأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾

صفارزاده: «و چون مردانی از بین شما بمیرید درباره‌ی همسران بیوه شده، حکم وصیت اینست که تا یکسال، هزینه زندگی آنها منظور و پرداخت شود؛ (در صورتیکه خانه‌ی متوفی را ترک نکنند و با مرد

دیگر ازدواج نکنند) آنها از خانه نباید اخراج شوند ولی اگر به میل خود خانه را ترک کنند و برای زندگی خود بر طبق عرف، تصمیم‌هایی اتخاذ کنند مانعی ندارد؛ و خداوند آن حکم دهنده‌ی بی همتا در قدرت است.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۹۳)

انصاریان: «و کسانی از شما که مرگشان نزدیک می‌شود، و همسرانی به جا می‌گذارند، باید برای همسرانشان وصیت کنند که آنان را تا یک سال بدون بیرون کردن از خانه از هزینه زندگی بهره‌مند سازند. پس اگر [به اختیار خود] بیرون رفتند، در آنچه نسبت به خود [از ازدواج یا انتخاب شغل] به طور شایسته و متعارف انجام دهند، بر شما [وارثان میت] به سبب نپرداختن هزینه زندگی آنان [گناهی نیست؛ و خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۴۸)

دیدگاه برمن دیدگاهی اخلاقی، بوتیقایی و فلسفی و از این لحاظ مترجم محور کار نقد در نزد اوست. هدف برمن ارائه ابزارهایی به مترجم است تا بتواند از راه تحلیل کار خویشتن، از جنبه‌های ایدئولوژیک این کار آگاهی یابد. یکی از مسائلی که مترجمان هر زبانی با آن روبرو هستند مسئله ضمیمه کردن فرهنگ، زبان و ادبیات دیگری از راه «ترجمه زیباشناختی و زیباسازی متن است. آنان که ترجمه را به زن تشبیه کرده و زیبای بی وفا آن را می‌پسندند، مسئله ذوق در سبک شناسی را به ترجمه تعمیم داده و ترجمه آراسته و مزین می‌خواهند. تفکر مترجم درباب همه جوانب کار خویش و دست زدن وی به نوعی خود - کاوی امری حیاتی در تعمیق تجربه اوست. دیدگاه ترجمه‌شناختی برمن یک دیدگاه اخلاقی است: از نظر برمن ترجمه ایجاد ارتباط است یا هیچ نیست»، رابطه فرهنگی با دیگری است. فرهنگ در اینجا نه فقط به مفهوم انسان شناختی و قوم شناختی آن، بلکه در معنای مرسوم در میان فیلسوفان رومانتیک آلمانی یعنی «خودسازی از راه شناخت و درک دیگری آمده است. هدف اخلاقی ترجمه به رسمیت شناختن دیگری و فرهنگ اوست. مسئولیت مترجم گفتگو بادگیری و گشودگی به سوی اوست دیدگاه برمن بوتیقایی نیز هست شفاف سازی نیز یکی از ابزارهای اساسی در جهت آگاهی یابی مخاطب از بار ایدئولوژیک در متن می‌باشد که طاهره صفارزاده به این جنبه از ترجمه توجه بسیاری داشته است.

اطناب کلام

هدف از شفاف‌سازی، ابهام زدایی از معنا است؛ اما اطناب، مفصل کردن کلام است، «غرض مترجم اضافاتی است که چیزی به متن نمی‌افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی آنکه به بار معنایی و گفتاری متن بیافزاید. هر ترجمه‌ای به این گرایش دارد که از متن اصلی طولانی تر باشد و این نتیجه دو گرایش اول است.» (احمدی؛ ۱۳۹۰: ۷) به‌طور مثال در آیه ۷۳ سوره بقره طاهره صفارزاده و حسین انصاریان توضیحات اضافی را در مورد آیه داده‌اند که گاهاً به اطناب در کلام می‌انجامد:

فَقَلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

صفارزاده: «ما فرمودیم: پاره ای از گوشت گاو ذبح شده را به بدن مقتول بزنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند) اینگونه خداوند مردگان را زنده می‌فرماید و معجزات خود را به شما نشان می‌دهد، باشد که عقل خود را به کار بندید.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۲۵)

انصاریان: «پس گفتیم: پاره ای از آن [گاو ذبح شده] را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتل را معرفی کند]. خدا مردگان را این گونه زنده می کند و نشانه های [قدرت و ربوبیت] خود را به شما نشان می دهد، تا ببینیدشید.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۱۶)

مثالی دیگر که در آن طاهره صفارزاده به اطناب به ترجمه این آیه می پردازد:

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾

صفارزاده: «آنگاه که آفریدگار-پروردگارش به او فرمود: ای ابراهیم تسلیم امر باش و تحت امر عمل کن ابراهیم عرض کرد: تسلیم امر و فرمانبردار آفریدگار- پروردگار جهانها و جهانیان هستم.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۴۴)

انصاریان: «[و یاد کنید] هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم باش. گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۲۶)

هر دو مترجم در ترجمه، مانند بیشتر مترجمان از شیوه اطناب کلام بهره برده اند، اما با توجه به سبک ترجمه او که مبتنی بر هم خوانی با متن مبدأ است کمتر دچار این گرایش شده است و اطنابهای او بیشتر در حوزه کلمات صورت گرفته و کمتر به عبارت ها و جمله ها کشانده شده است.

همانند تمام مترجمان و نظریه پردازان، برمن نیز بر این نکته واقف است که هر ترجمه‌ای از متن اصلی خود طولانی تر است. او این اطناب کلام را حاصل دو فرایند عقلایی سازی و شفاف سازی می داند. نیز معتقد است که مترجم ایده «فشرده» متن مبدأ را باز می کند و این کار را «نهی شدگی» می نامد که تأثیری در غنا بخشیدن به جان کلام ندارد. از این روی، بر آن جمله معروف خود که «افزوده هیچ نمی افزاید: *ajout n'ajoute rien*» تأکید می کند و افزوده را صرفاً در راستای انباشته کردن حجم متن، و بی ثمر می داند. به اعتقاد برمن، اطناب کلام پایه زبانشناختی ندارد و گرایشی لاینفکت از ترجمه شده است. (مهدی پور؛ ۱۳۸۹: ۳-۴)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿۱۳۸﴾

صفارزاده: «آنان که با غسل تعمید و رنگ آمیزی آب، علامت دین خود را اعلام می کنند باید بدانند: بهتر است رنگ توحید را بپذیرند و چه چیز از رنگ و علامت مشخصه توحید بهتر است؟ و شما مسلمانان بگویید: ما تنهای خدای یگانه را می پرستیم.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۴۶)

انصاریان: «[به یهود و نصاری بگویید]: رنگ خدا را [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش کنندگان اویم.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۲۷)

در این نوع، غرض منتقد اضافاتی است که چیزی به متن نمی افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می دهد بی آنکه به بار معنایی و گفتاری متن بی افزاید. هر ترجمه‌ای معمولاً به این گرایش دارد که از متن اصلی طولانی تر باشد و این نتیجه دو گرایش اول است.

و یا نمونه بارز اطناب در ترجمه صفارزاده آیه ۲۸۲ سوره بقره می باشد که هر دو مترجم با اطناب کلام را را بیشتر شبیه یک نامه‌ای بلند بالا نموده اند هرچند که برخی از مترجمین معتقدند که این اطناب گاهاً ضرورت دارند تا مخاطب با جزئیات دقیق متن زبان مبدأ آشنا گردد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا بِيَخْسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَئَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا بِيَضْرَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

صفارزاده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که وام مدّت داری به یکدیگر می دهید آن را بنویسید و کاتبی باید سند را از روی عدالت بنویسد و تنظیم کند و کاتب نباید در نوشتن مطلب، آنگونه که از طریق احکام، از خداوند آموخته خودداری کند؛ او باید بنویسد و آنکه مدیون است باید املاء کند و از خدا بترسد و از یادآوری هیچ نکته‌ای فروگذار نکند. اگر شخص مدیون سفیه یا صغیر باشد یا املاء کردن نتواند، باید سرپرست و قیّم، بجای او با رعایت عدل و انصاف املاء کند و دو شاهد مرد به شهادت بگیرد و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن از کسانی که مورد قبول و اطمینان هستند انتخاب کنید تا اگر یکی از آنها فراموش کرد دیگری به یادش آورد. و شهود نباید هنگامی که آنها را برای شهادت دعوت می کنند، از شهادت خودداری نمایند و از نوشتن زمان سرآمد بدهی خود چه اندک باشد چه زیاد، ملول و خسته نشوید و کوتاهی نکنید. این (نوشتن جزئیات) نزد خداوند به عدالت نزدیکتر و برای شهادت معتبرتر و برای جلوگیری از شکّ و شبهه بهتر است، مگر اینکه داد و ستد بصورت نقدی باشد که بین شما دست به دست شود، در این صورت گناهی بر شما نیست اگر آن را بنویسید؛ معهذاً هنگامی که خرید و فروش نقدی هم می کنید شاهد بگیرید، ولی نباید به شاهد و نویسنده زبانی برسد که اگر چنین کنید و آنها (از جانب شما) مورد تهدید قرار گیرند، (نسبت به امر خداوند) نافرمانی شده است. از عدم اطاعت امر خداوند بهره‌یزید این خداوند است که شما را در هر امری تعلیم می دهد و خداوند به کلّ امور دانای مطلق است.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۰۱)

انصاریان: «ای اهل ایمان! چنانچه وامی به یکدیگر تا سر آمد معینی، دادید، لازم است آن را بنویسید. و باید نویسنده ای [سندش را] در میان خودتان به عدالت بنویسد. و نباید هیچ نویسنده ای از نوشتن سند همان گونه که خدا [بر اساس قوانین شرعی] به او آموخته است، دریغ ورزد. او باید بنویسد، و کسی که حقّ به عهده اوست باید [کلامش را جهت تنظیم سند برای نویسنده] املا کند، و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را نگاهد. و اگر کسی که حق به عهده اوست، سفیه یا ناتوان باشد، یا [به علتی] نتواند املا کند، ولیّ و سرپرست او به عدالت املا کند. و دو شاهد از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن را از میان شاهدانی که می پسندید، شاهد بگیرید تا اگر یکی از آن دو زن [واقعیت را] فراموش کرد، آن دیگری او را یادآوری کند. و شاهدان هنگامی که [برای ادای شهادت] دعوت شوند [از پاسخ دعوت] امتناع نورزند، و از نوشتن [سند وام] تا سرآمد معینش، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید، این [کار] نزد خدا عادلانه تر و برای اقامه شهادت پابرجاتر، و به اینکه [در

جنس وام، اندازه آن و زمان پرداختش [شک نکنید] او ستیز و نزاعی پیش نیاید، نزدیک تر است. مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود دست به دست می کنید، در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و هرگاه داد و ستد کنید، شاهد بگیرید. و نباید به نویسنده و شاهد زیان برسد و اگر زیان برسانید، خروج از اطاعت خداست که گریبانگیر شما شده است و از خدا پروا کنید و خدا [احکامش را] به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۵۹)

تفاخر گرایی و آراسته سازی

برمن این گرایش را گرایش افلاطونی می خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می داند که متن مقصد را از لحاظ فرم و شکل، زیباتر از متن اصلی در می آورند. وی معتقد است این گرایش مربوط به حس زیبایی شناختی افرادی می شود که معتقدند هر گفتمانی باید گفتمانی زیبا باشد. برمن تفاخر گرایی را در نظم «شاعرانه کردن» (Poetisation) و در حوزه نثر، «بلیغ کردن» (Rhetorisation) می خواند و آن را شامل «تولید جملات فاخر با بهره گرفتن از متن اصلی، به عنوان ماده اولیه تعریف می کند. در واقع، برمن کار این مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می داند که بدون در نظر داشتن چند و چون متن اصلی، صرفاً برای خوانا برجسته و فاخر بودن متن مقصد - آن هم به بهانه انتقال بهتر معنا- به متن اصلی توجهی نکرده است و دست به بازنویسی و تمرین سبکی از متن اصلی می زند (مهدی پور؛ ۱۳۸۹: ۴) به طور مثال به آیه ۱۱ سوره بقره اشاره می نمایم:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿۱۱﴾

صفار زاده: «و چون به آنها گفته شود: در روزی زمین فتنه و فساد نکنید، می گویند: ما خودمان صلح طلب و اصلاحگریم.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۷)

انصاریان: «چون به آنان گویند: در زمین فساد نکنید، می گویند: فقط ما اصلاح گریم» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۵)

همانگونه که در ترجمه های فوق مشاهده می کنید صفار زاده جمله اول را مثبت ترجمه نموده و در مقابل آن جمله دوم را در تضاد با آن آورده است و فعل پایانی که با شناسه خود (اصلاحگریم) آمده است که با واژه های پیشین خود از لحاظ ادبیات نوشتاری همخوانی ندارد و کلمه (اصلاح طلب) را بکار برده است که در جهت افزایش واج آرای حرف (ص) در آیه مذکور بکار برده است و مترجم با هدف آراسته سازی آن واژه را آورده است.

از آنجا که قصد مترجم صرفاً انتقال پیام نیست، به آراسته سازی و زیبایی کلام روی می آورد. اصولاً زیباسازی زمانی بد و نامطلوب است که با کلام مبدأ همخوانی نداشته باشد و بشود آن را نوعی تحریف متن به شمار آورد. به راستی در متون ادبی که زیبایی جزو ارکان اصلی آن است، ترجمه بایستی چگونه باشد؟ آیا آراسته سازی در ترجمه این گونه متون، باز هم تکوینده و از عوامل تحریف متن به شمار می رود؟ به طور به نمونه هایی از این تفاخری بوسیله مترجمین را اشاره می کنیم:

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كَلِمًا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾

صفارزاده: «هر لحظه ممکن است روشنایی خیره کننده‌ی برق بینایی را از چشمان آنها بگیرد و کوشان کند؛ هر بار که رعد و برق می زند در روشنایی موقت گامی به جلو بر می دارند و چون برق متوقف شود و تاریکی همه جا را فرا گیرد می ایستند و از رفتن باز می مانند و اگر خداوند اراده می فرمود قدرت شنوایی و بینایی آنها در اثر رعد و ربرق نبود می شد؛ همانا خداوند بر هر امری که اراده فرماید تواناست.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۹)

انصاریان: «نزدیک است که آن برق [بسیار رخشنده، روشنی] چشم های آنان را برباید؛ زمانی که آنان را روشنی دهد، در آن روشنی راه می روند و چون محیط را بر آنان تاریک کند، می ایستند و اگر خدا می خواست [شنوایی] گوش و [بینایی] چشم آنان را نبود می کرد؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۷)

منظور برمن از آراسته سازی، آراسته تر کردن ترجمه از متن مبدأ است؛ زیرا مترجم تمایل دارد، متن را بلب تر و ادبی تر به خواننده منتقل کند، حتی در متنی که ادبیت، چندان مهم نباشد. مانند آثار تاریخی - دینی یا در دوران معاصر مانند رمان های رئالیسم. مترجم این گونه آثار، اگر به زیبایی متن بپردازد به سبک و فرم انر، لضمهای نابخودنی وارد نموده است. کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است و مترجم حتی الامکان بایستی ترجمه‌ای برابر با متن ایشان ارائه دهد و در آراسته کردن کلام بکوشد شهیدی در میان مترجمان روش تازه ای را گشوده است. او اذعان دارد که نهایت تلاش خود را به کار برده تا ترجمه‌ای برابر با کلام امام (ع) ارائه دهد؛ یعنی به زیبایی ها و صنعت های لفظی از قبیل سجع، جناس، مراعات نظیر، استعاره، و تشبیه توجه نموده است.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

صفارزاده: «این پرهیزکاران از نعمت هدایت ویژه از سوی آفریدگارشان برخوردارند و آنها، همان رستگاران واقعی‌اند.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۶)

انصاریان: «آنانند که از سوی پروردگارشان بر [راه] هدایت اند و آنانند که رستگارند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۵)

مثال در سجع:

صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ قَهْمٌ لَا يَرْجَعُونَ ﴿١٨﴾

صفارزاده: «اینان کر و لا و کورند و لذا از گمراهی به راه باز نمی گردند.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۸)

انصاریان: «کر و لال و کورند، به این سبب آنان [از گمراهی و ضلالت به سوی هدایت و حقیقت] باز نمی گردند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۷)

مثال در استعاره:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾

صفارزاده: ای مردم! آفریدگار - پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را خلق فرموده بپرستید، باشد که (در اثر عبادت و پرستش) پرهیزگار شوید.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۹)

انصاریان: «ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده است، بپرستید تا [با پرستیدن او] پروا پیشه شوید.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۷)

تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن

به اعتقاد برمن هر اثری دارای متنی مستتر است که در آن، دالّ‌هایی برگزیده می‌شوند که بار معنایی خود را به هم قرض می‌دهند و در ارتباط با هم، زنجیره‌ای پیوسته را تشکیل می‌دهند که خواننده را به مفهومی خاصّ هدایت می‌کند. به اعتقاد وی، ترجمه‌ای که نتواند این شبکه و زنجیره را منتقل کند، متن اصلی را تحریف کرده است. (مهدی پور، ۱۳۸۹: ۶)

حال به چند نمونه از این مؤلفه در ترجمه‌های طاهره صفارزاده و حسین انصاریان اشاره می‌نماییم: در آیه ۶ سوره بقره، مترجم با فهم معنای دالّ بر لفظ و معنای ثانویه‌ای که از این آیه استنباط می‌شود به عدم هدایت انسان متعصّب اشاره دارد که مترجم با فهم این نکته ترجمه‌اش را در این راستا قرار داده است:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾

صفارزاده: «ای پیامبر کافران را چه هشدار دهی و چه هشدار ندهی برایشان یکسان است آنها ایمان نمی‌آورند.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۶)

انصاریان: «بی تردید برای کسانی که [به خدا و آیاتش] کافرند مساوی است چه از عذاب [بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نمی‌آورند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۵)

همچنین در آیه دیگری به مسأله گفتار ظاهری برخی انسان‌ها اشاره می‌کند که در ظاهر همگام با انسان‌ها هستند ولی در عمل و باطن بدین شکل نیستند هر دو مترجم در آیه ۹ سوره بقره به دلالت‌های ثانویه واژگان توجه دارند و ترجمه خود را بر اساس آن معانی مستتر بنا می‌نهند:

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾

صفارزاده: «با این گفتار ظاهری می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند و حال آنکه تنها خودشان را فریب می‌دهند، و نمی‌فهمند.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۷)

انصاریان: «[به گمان باطلشان] می‌خواهند خدا و اهل ایمان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند، ولی [این حقیقت را] درک نمی‌کنند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۶)

غنا زدایی کیفی

بنابر عقیده برمن، این نوع تحریف، جایگزین کردن کلمات، اصطلاحات و پیچ و خم جملات با کلمات و اصطلاحاتی است که از لحاظ غنای معنایی، آوایی و طنین کلمات، در سطح واژه مبدأ نیستند. تحریفی که برمن از آن سخن می‌گوید، شاید یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در عمل ترجمه و یکی از دشوارترین کارهای هر مترجم باشد. هر زبانی با توجه به ساختار و کلمات و آوای موجود در آن، کلمات و بازی‌های کلامی ویژه‌ای با بار معنایی و تصویرسازی خاصّ خود دارد و برگرداندن آنها غالباً بسیار دشوار است. شاید گاهی بتوان با شباهت‌هایی آوایی آنها مانور داد، اما همواره چنین شناسی وجود ندارد (رک؛ مهدی پور، ۱۳۸۹: ۴) این نوع از تحریف متن هر چند به صورت قلیل ولی گاهاً در برخی از ترجمه‌ها مشاهده می‌شود. به‌طور مثال در آیه ۷ سوره بقره این مسأله را شاهد هستیم:

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾

صفارزاده: «خداوند به سبب جهل وانکارشان مَهْری بر دلها و گوش هاشان نهاده و پرده ای بر چشمهاشان افکنده که حق را درک نمی‌کنند و نمی‌شنوند و نمی‌بینند و آنها را عذابی شدید در پیش است.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۶)

انصاریان: «خدا [به کیفر کفرشان] بر دل‌ها و گوش‌هایشان مَهْر [تیره بختی] نهاده، و بر چشم‌هایشان پرده ای [از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی‌بینند]، و برای آنان عذابی بزرگ است.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۴)

غنایی زدایی کمی

در این نوع تحریف، سخن از هدر رفتن واژگانی است برمن معتقد است که گاهی برای یک مدلول، چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به غنایی زدایی کمی منجر می‌شود (رک؛ مهدی پور، ۱۳۸۹: ۴) این عنصر نیز کما بیش در برخی از آیات قرآن کریم دیده می‌شود و مترجم یکی از واژگان را معنا نکرده و با واژه دیگر به شکل یکجا ترجمه می‌نماید. همانند دو واژه (يُوصَلُ وَيُفْسِدُونَ) که هر دو مترجم آن را (فساد و تبهکاری پرداختن) معنا نموده اند:

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾

صفارزاده: «نافرمانان کسانی هستند که پس از عهد با خداوند عهدشکنی می‌کنند و پیوندهایی را که خداوند به برقراری آنها امر فرموده قطع می‌کنند و در روی زمین به فساد و تبهکاری می‌پردازند و اینان بواقع زیانکارند.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲)

انصاریان: «آنان کسانی هستند که پیمان خدا را [که توحید و وحی و نبوت است] پس از استواری اش [با دلایل عقلی و علمی و براهین منطقی با عدم وفای به آن] می‌شکنند و آنچه را خدا پیوند خوردن به آن را فرمان داده است [مانند پیوند با پیامبران و کتابهای آسمانی و اهل بیت طاهرین و خویشان] قطع می‌نمایند و در زمین تباهی و فساد بر پا می‌کنند، آنانند که زیانکارند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۸)

تخریب ضرباهنگ های متن

این گرایش عبارتست از تغییر نواخت های متنی. این نوع تغییر مثلاً با هدف قرار دادن علائم نقطه گذاری، می‌تواند به نحوه قابل توجهی بر ضرباهنگ های جمله اثر بگذارد این مورد در هر دو ترجمه طاهره صفارزاده و حسین انصاریان دیده می‌شود به‌طور مثال در آیه ۵ سوره بقره مشاهده می‌کنیم که صفارزاده با قرار دادن علامت سجاوندی (-) خط تیره کلام را از ریتم و موسیقی انداخته است:

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

صفارزاده: این پرهیزگاران از نعمت هدایت ویژه از سوی آفریدگار- پروردگارشان برخوردارند و آنها، همان رستگاران واقعی اند.» (صفارزاده، ۱۳۹۴: ۶)

انصاریان: «آنانند که از سوی پروردگارشان بر [راه] هدایت اند و آنانند که رستگارند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۵)

و یا در مثالی دیگر با همین سبک درباره نام خداوند با خط تیره ذکر کرده‌اند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾

صفارزاده: «ای مردم! آفریدگار - پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را خلق فرموده بپرستید، باشد که (در اثر عبادت و پرستش) پرهیزگار شوید.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۹)
انصاریان: «ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده است، بپرستید تا ابا پرستیدن او! پروا پیشه شوید.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۷)

همانگونه که در ترجمه آیه فوق الذکر مشاهده می کنید هر دو مترجم از علائم سجاوندی مثل (، ، ! ؛ -) استفاده کرده اند و حال آنکه آیه مورد نظر دارای سجعی موزون است که در واژه های (رَبَّكُم / خَلَقَكُمْ / قَلْبِكُمْ / لَعَلَّكُمْ) موسیقی دلنشینی را به خواننده ارائه می دهد و در ترجمه هر دو مترجم با جملاتی مقطوع مواجه هستیم.

مثال:

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾

صفارزاده: «فرشتگان عرض کردند: منزّه است ذات اقدس تو! دانش ما در همان حدّی است که به ما تعلیم فرموده ای و ما بیش از آن نمی دانیم؛ همانا تو آن دانای منشأ حکمت هستی.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۱۳)
انصاریان: «گفتند: تو از هر عیب و نقصی منزّهی، ما را دانشی جز آنچه خودت به ما آموخته ای نیست، یقیناً تویی که بسیار دانا و حکیمی.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۹)

و این عدم رعایت علائم سجاوندی به ریتم جمله آسیب رسانده است:

وَأِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾

صفارزاده: «و چون به آنها گفته شود: در روزی زمین فتنه و فساد نکنید، می گویند: ما خودمان صلح طلب و اصلاحگریم.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۷)
انصاریان: «چون به آنان گویند: در زمین فساد نکنید، می گویند: فقط ما اصلاح گریم.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۶)

در این روش، طاهره صفارزاده عملکرد مطلوبی در انتقال ضریبها و ریتم متن ترجمه شده نداشته و کلام را به سوی اطناب پیش برده است؛ در طرف مقابل انصاریان با ایجاز در کلام و توجه به ریتم آیات ترجمه های خود را متناسب با آن ریتم آورده است.

تخریب عبارات و خاصه گی های زبان

از نظر برمن، صنایع لفظی، عبارات، ضرب المثل ها و غیره که در واقع منتج از زبان بومی هستند در زبانهای دیگری نیز عناصر متناظر خود را می یابند. در ترجمه سنتی فرانسوی، مترجمان مایلند به دلیل غلبه اندیش قوم مدارانه، در مقابل اصطلاحات، ضرب المثلهای و عبارات بیگانه، معادل فرانسوی آن را قرار دهند. معادلسازی نوعی ضربه به سخندانی (گویایی) اثر است. مثالی که برمن خود می آورد این است که مترجمان فرانسوی عادت دارند در مقابل واژه «Bedlam» (نام یک آسایشگاه روانی معروف انگلیسی) واژه «Charenton» (نام یک آسایشگاه روانی معروف فرانسوی) را قرار دهند. برمن می گوید: «معادلهای یک اصطلاح یا ضرب المثل جایگزین آنها نیستند. ترجمه

کردن، یافتن معادل نیست. «در ترجمه مادام بواری، مهدی سحابی در مقابل واژه «Comices» معادل «اعضای هیئت ترویج کشاورزی» و در مقابل واژه «la Pentecote» معادل فارسی - عربی آن یعنی «عید خمسین» را می‌گذارد.

از سوی دیگر هر زبان دارای اصطلاحات خاص خود (خاصه‌گی) خود است و ترجمه آنها چه از نظر لفظی و چه از راه معادل یابی کاری بس دشوار و حتی غیرممکن است: در همین متن، اصطلاح «Le diable m' emporte» «گوش شیطان کرا!» ترجمه شده است. معادل پیشنهادی سحابی با اصطلاح فرانسه آن هیچ همخوانی ندارد و از لحاظ معنی هم از آن بسیار دور است. در قرآن کریم نیز خداوند متعال از ترکیب‌هایی متناسب با زبان اعراب دوران نخستین اسلام می‌آورد که با فرهنگ و زبان بومی آن مکان و زمان هماهنگی دارد:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

صفارزاده: «همانا خداوند از اینکه برای تفهیم و توضیح موضوعی، جهت هدایت بندگان به پشه یا ناچیزتر از آن مثل بزند پروایی ندارد و از مقام اقدسش کاسته نمی‌شود مؤمنان می‌دانند که آن مثل هرچه باشد از جانب آفریدگار-پروردگارشان و بر اساس مصلحت است، ولی آنها که کفر برگزیده اند می‌پرسند: خداوند چه منظوری از این مثل دارد؟ بسیاری را خداوند از همین طریق گمراه می‌سازد و بسیاری دیگر را هدایت می‌فرماید و البته جز نافرمانان را بدان گمراه نسازد.» (صفارزاده؛ ۱۳۹۴: ۱۱)

انصاریان: «بی تردید خدا [برای فهماندن مطلبی به مردم] از اینکه به پشه و فراتر از آن [در کوچکی] مَثَل بزند، شرم نمی‌کند؛ اما اهل ایمان آگاهند که آن مثل از سوی پروردگارشان درست و حق است و اما کافران می‌گویند: خدا از این مثل چه اراده کرده است؟! خدا بسیاری را به آن مثل [به خاطر عدم دقت و مطالعه] گمراه می‌کند، و بسیاری را به آن مثل [به سبب درک صحیح] هدایت می‌نماید؛ و جز فاسقان را به آن گمراه نمی‌کند.» (انصاریان؛ ۱۳۹۳: ۸)

نتیجه‌گیری

نظریه آنتوان برمن ظرفیت قابل توجهی برای انطباق با ترجمه عربی به فارسی دارد و بر پایه آن می‌توان نحوه عملکرد مترجمان را به صورت روشمند مورد ارزیابی و سنجش قرار داد تا از این رهگذر به نقاط قوت و ضعف یک ترجمه دست یافت و با توجه به جامعیتی که این نظریه دارد در پرتو آن می‌توان تمامی محورهایی را که مترجم با آن در ارتباط است، مورد نقد و تحلیل قرار داد. نظریه «برمن» توجه زیادی به زبان مبدأ دارد و با رونق نقدهایی که با روش او صورت می‌گیرد، تعامل‌های غیر وفادارانه مترجمان و میزان وفاداری آن به متن مبدأ، تبیین می‌گردد؛ زیرا مترجم - و به ویژه مترجم متون حساس - بایستی حتی الامکان به متن مبدأ وفادار باشد و با پذیرش

متن بیگانه به انتقال صحیح زبان، سبک و محتوای آن، مبادرت ورزد. نظریه مبدأگرایی «برمن»، کارآمدترین مؤلفه‌ها را برای نقد ترجمه متون دینی از قبیل قرآن کریم ارائه می‌دهد؛ زیرا مترجم متون دینی که موجب بروز برداشت‌های نادرست می‌گردد، بایستی به زبان مبدأ وفادار باشد و بکوشد متن مبدأ را با کمترین تحریفها به زبان مقصد منتقل کند. عدم التزام به وفاداری، راه را برای ورود ترجمه‌های ناصواب باز می‌کند و در نتیجه ترجمه‌هایی که قداست این متون را خدشه‌دار می‌نماید، صورت می‌پذیرد. بر اساس الگوی آنتوان برمن ترجمه طاهره صفارزاده از وفادارترین و کم آسیب‌ترین ترجمه‌هاست و با تطبیق چندین مورد از مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه بر ترجمه صفارزاده، شاهد کم‌شماری این گونه تحریف‌ها در ترجمه او بودیم و می‌توان گفت این ترجمه یکی از وفادارترین ترجمه‌های قرآن کریم است که در انتقال زبان، سبک و مفاهیم مورد نظر خداوند موفق عمل کرده است.

کتابنامه

- احمدی، محمد رحیم (۱۳۹۲)، آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه، دوفصلنامه نقد و زبان ادبیات خارجی، سال ۶، شماره ۱۰، پیاپی ۶۸، بهار و تابستان: ۱-۱۹.
- انصاریان، حسین، (۱۳۹۳): ترجمه قرآن کریم، تهران: سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت.
- مهدی پور، فاطمه (۱۳۸۹)، پیدایش نظریه‌های ترجمه، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۱، پیاپی ۱۵۵، صص ۵۷-۶۳.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۹۴)، ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن حکیم، قم: انتشارات اسوه، چاپ پنجم.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۱)، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: کتاب‌ماد.
- کریمیان، فرزانه، اصلانی، منصوره (۱۳۹۰)، نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه؛ بررسی مقابله‌ای ترجمه‌های قاسم روبین از آثار اگریت دوراس، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، شماره ۱، شماره ۳، صص ۱۲۰-۱۳۸.

The Holy Quran

- Simon Sherry, Antoine Berman ou l'absolu critique, TTR: traduction, terminologie redaction, vol. 14, n 2, 2001, p 19-29
- Ahmadi, Mohammad Rahim (2013), Antoine Berman and the theory of disruptive tendencies, Quarterly Journal of Criticism and the Language of Foreign Literature, Vol. 6, No. 10, Consecutive 68, Spring and Summer: 1-19
- Koosha, Mohammad Ali. Distinctive translations of the Qur'an in the balance of criticism, Qom; Mobin Book Publications
- Karimian, Farzaneh, Mansoureh (2011), The Role of Loyalty to a Writer in Translation; A Comprehensive Study of Qasim Rubin's Translations of the Works of Egrit Doras, Quarterly Journal of Language and Translation Studies, No. 1, No. 3, pp. 120-138
- Mehdipoor, Fatemeh (2010), The Origin of Translation Theories, Book of the Month of Literature, No. 41, 155, pp. 57-63
- Simon Sherry, Antoine Berman ou l'absolu critique, TTR: traduction, terminologie
- Safarzadeh, Tahereh (2015), Persian and English translation of the Holy Quran, Qom: Aswa Publications, fifth edition

Safavi, Kourosh. (1992), Seven Speeches on Translation, Tehran: Mad Book
The holy Quran Translated by Mohammad Ali Koosha: www.kooshaa.ir

ارجاع: کاکاوندی گودرز، معصومی محمدحسن، یوسفی محمدرضا، نقد و بررسی ترجمه قرآن طاهره صفارزاده و حسین انصاریان بر اساس نظریه «گرایش های ریخت شکنانه» آنتوان برمن (مطالعه موردپژوهانه در سوره بقره)، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۷۶-۱۹۷.